



مقایسه با آمریکا کمکی به طرفداران وضع موجود نمی‌کند

در واکنش به مطلب خبرگزاری فارس با عنوان «واکنش مدافعان غرب به سرکوب گسترده اساتید و دانشجویان در آمریکا و اروپا» عباس عبدی، فعال سیاسی و رسانه‌ای متن گفت‌وگوی خود با این رسانه را در اختیار روزنامه هم‌میهن قرار داد که در ادامه می‌آید: «اولین نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که چرا اعتراضات دانشجویی شکل می‌گیرد؟ این گونه اعتراضات منحصر به کشور آمریکا نمی‌شود و در کشورهای دیگر هم هست اکنون به اروپا هم رسیده است. چرا دانشجویان در یک مقطع زمانی به صورت جدی دست به اعتراضاتی می‌زنند که به طبع باعث به وجود آمدن مشکلاتی هم برای خودشان می‌شود؟

به دلیل اینکه برخی نهادهای سیاسی مانند انتخابات، احزاب و حتی رسانه‌ها، غیرکارکردی می‌شوند. زمانی که این نهادها از کارکردهای واقعی خودشان دور می‌شوند و به نوعی دچار بن‌بست و فساد سیاسی می‌شوند، جامعه از طریق دانشگاه‌ها واکنش نشان می‌دهد. در واقع دانشگاهیان اولین گروهی هستند که خط‌شکنی می‌کنند زیرا چندان وابستگی و تعلق سیاسی مانند دیگران به ادامه و حفظ وضعیت موجود ندارند. دانشگاهیان وارد میدان می‌شوند و دست به اعتراض می‌زنند. این اعتراضات از دو حالت فراتر نمی‌رود، یکی اعتراضات خیلی عمیق و جدی است و دیگری می‌شود و به نتیجه می‌رسد و از طریق اصلاحات تغییرات جدی در جامعه ایجاد می‌کند، به عنوان مثال اعتراضات دانشجویان آمریکا به جنگ ویتنام که بسیار هم مؤثر واقع شد و آغازی بود برای پایان جنگ ویتنام. اعتراضات عادی که با همراهی کافی نباشد، زود تمام می‌شود. وجدان بیدار جامعه در دانشگاه است و هنگامی که نهادهای سیاسی قفل کنند دانشگاهیان وارد میدان می‌شوند و این قفل را می‌شکنند و جامعه را وارد مسیر دیگر می‌کنند، البته تمام این اتفاقات به شرطی رخ می‌دهد که برخی نهادهای دیگر کم و بیش استقلال خود را حفظ کرده باشند، مثلاً در ایالات متحده آمریکا سه نهاد وجود دارد که این سه نهاد به نسبت بقیه نهادهای محبوب و استقلال خود را حفظ کرده‌اند. اولین نهاد دستگاه قضایی و دیوان عالی آمریکا است این دستگاه استقلال و اعتبار خود را نزد مردم دارد حتی در مواردی که شش نفر از آنان جمهوری خواه بودند باز هم علیه ترامپ رای دادند. البته استقلال هیچگاه صفر و صدی نیست همیشه یک نوع انحرافی در این موارد مشاهده می‌شود اما به هر حال فهم عمومی و اعتماد مردم بسیار حائز اهمیت است. دومین نهاد بانک مرکزی است. مسئله اعتبار بانک مرکزی در جهان مسئله بسیار مهمی محسوب می‌شود و بانک مرکزی باید معتبر باشد، در ایالات متحده آمریکا بانک مرکزی اعتبار لازم را دارد. بانک مرکزی در آمریکا مانع سیاست‌های تورم‌زا، مشکل آفرین و فسادآوری است که معمولاً در سیستم‌های دولتی وجود دارد. سومین نهاد نیز ارتش است. این سه نهاد محبوبیت، اعتبار و کارکرد خود را دارند. زمانی که این سه نهاد استقلال دارند و در مقابل نهادهای سیاسی و به‌طور مشخص احزاب (جمهوریخواه و دموکرات)، مجلس نمایندگان، مجلس سنا، دولت و رسانه‌ها دچار فساد و انحراف شوند جامعه قفل می‌شود و وقتی که جامعه قفل شود وجدان بیدار جامعه از طریق اعتراضات دانشجویان خود را نشان می‌دهد و فضا را تغییر می‌دهد.

اعتراضات ادامه پیدا می‌کند تا یک تغییر و تحول متناسبی در جامعه اتفاق بیفتد. علت اصلی اعتراضات در آمریکا حمایت سیاسی و مالی از اسرائیل است، به دلیل نفوذی که اسرائیل در دو قوه مجریه و مقننه و رسانه‌ها دارد، آنها را به انحراف کشانده و منابع مالی ایالات متحده را به سمت خود جذب و سیاست ایالات متحده آمریکا را تابع خود کرده است، و در نتیجه مردم به این شرایط معترض هستند، مخصوصاً نسل جوان که با کمک شبکه‌های اجتماعی به استقلال رسانه‌ای نیز رسیده‌اند در حال مقابله با این شرایط و اسرائیل هستند. این فرایند اعتراضات دانشجویی موقت است تا زمانی که به نتیجه برسد و کارکرد نهادهای سیاسی متناسب با خواست عمومی شود. این اعتراضات در همه جای دنیا با اهداف مشخص صورت می‌گیرد اعتراضات دانشجویی و دانشگاهی از این منطق تبعیت می‌کنند.

بازداشت‌ها هم در ابتدا اتفاق می‌افتد و چیز عجیبی نیست. دانشجویان را دستگیر می‌کنند و به مقر پلیس انتقال می‌دهند و بعد هم آزاد می‌کنند و به دادگاه می‌فرستند. <



اعتراضات دانشجویی ۲۴ آبان

اعتراضات دانشجویی ۲۴ آبان

آمریکا و جنبش‌های دانشجویی

شورش گره (۱۷۶۶): این اولین اعتراض ثبت‌شده در تاریخ دانشگاهی آمریکاست. طی یک دهه، مشکلات اقتصادی در آمریکا باعث شده بود تا دستیابی به مواد غذایی سخت شود. در همین وضعیت، غذایی به دانشجویان داده می‌شد که گره‌ای در آن به کار برده شده بود که طعم ترشی داشت؛ موضوعی که منجر می‌شود دانشجویان در محیط دانشگاه تظاهرات کرده و این اعتراضات یک ماه ادامه پیدا کنند. در نهایت دانشگاه اعتراف کرد که به دانشجویان گره فاسد داده است اما این ماجرا با سخنرانی فرماندار ماساچوست برای دانشجویان آرام شدن آنها به پایان رسید.

اعتراضات دانشگاه فیسک (۱۹۲۴): فایت مکنزی (رئیس دانشگاه) در سال ۱۹۲۴ قانون‌های سختگیرانه‌ای را اعمال می‌کند؛ از جمله اینکه نشریه‌های دانشجویی تعطیل شده و تمام فوکر برنامه‌ها لغو می‌شود. در ماه ژوئن، ویلیام دیو بویس (جامعه‌شناس آمریکایی) که دخترش در آن دانشگاه درس می‌خواند، برای سخنرانی به فیسک می‌رود و در سخنرانی خود از قوانین مکنزی انتقاد می‌کند؛ موضوعی که باعث می‌شود در سراسر تابستان انتقادات به روش ریاست او در مطبوعات زیاد شود. در ماه نوامبر که هیئت امنابرای بازبیدیه دانشگاه می‌رود، دانشجویان تظاهراتی را انجام می‌دهند که منجر به این می‌شود که هیئت امناساز مکنزی بخواهند در روش‌های خود تجدیدنظر کنند. او ابتدا این پیشنهاد را می‌پذیرد اما کمی بعد به موضع قبلی خود برمی‌گردد. در ماه مارس اعتراضات در دانشگاه اوج می‌گیرد، دانشجویان خواهان تغییر بودند مکنزی از پلیس می‌خواهد برای پیدا کردن رهبر اعتراضات وارد دانشگاه شوند. ۸۰ تیرزی پلیس وارد دانشگاه شده و بازجویی را آغاز می‌کنند، در نتیجه تعدادی بازداشت می‌شوند اما به سرعت دستور آزادی آنها صادر می‌شود. پس از این اتفاق، دانشجویان کلاس‌ها را تحریم کرده و به مدت ۸ هفته در خانه می‌مانند تا دانشگاه دو ماه تعطیل شود؛ ماجرای که در نهایت منجر به استعفای مکنزی می‌شود.

جنبش آزادی بیان (۱۹۶۴): در سال ۱۹۵۸، دانشجویان دانشگاه برکلی در کالیفرنیا تصمیم می‌گیرند که احزاب سیاسی در دانشگاه فعال شده تا از طریق ارتباطی که دانشجویان در محیط دانشگاه با احزاب برقرار می‌کنند، حقوق دانشجویان در احزاب سیاسی آمریکا ترویج داده شود. این روند در سپتامبر سال ۱۹۶۴ منجر به این می‌شود که با دستور رئیس دانشگاه هر نوع دفاع از موضوعات سیاسی در دانشگاه ممنوع شده و اجازه حضور و سخنرانی افراد سیاسی از بیرون دانشگاه در محیط داخلی دانشگاه داده نشود. پس از این دستور، اعتراضات دانشجویی در این دانشگاه آغاز می‌شود. دنباله‌دار شدن این اعتراضات منجر به این شد که در ۴ دسامبر ۱۹۶۴ حدود ۸۰۰ نفر از دانشجویان بازداشت شوند اما چند ساعت بعد همه آنها آزاد شدند. یک ماه پس از آن، دانشگاه برکلی علیه دانشجویانی که تحصن‌ها را سازماندهی می‌کردند جرم کرده و اتهاماتی را به آنها وارد می‌کند؛ روندی که منتهی به این می‌شود که اعتراضات دانشجویی در سراسر آمریکا گسترده شده و دانشگاه‌ها تعطیل شوند. این روند ادامه پیدا می‌کند تا اینکه رئیس جدید دانشگاه مجبور به عقب‌نشینی از دستور قبل شده و اجازه فعالیت سیاسی در دانشگاه را در مناطقی خاص بدهد و در این مسیر یکی از اقدامات مهمی که دانشجویان انجام می‌دهند، تشکیل کمیته‌ای در مخالفت با جنگ ویتنام بود.

جنبش ضدجنگ ویتنام (۱۹۶۷): در آوریل ۱۹۶۷، زمانی که دانشجویان متوجه شدند که دانشگاه کلمبیا با دستگاه‌های دولتی حامی دخالت آمریکا در ویتنام ارتباط دارد، اعتراض آغاز می‌شود اما اوج‌گیری این اعتراض‌ها از مارس ۱۹۶۸ صورت می‌گیرد. آنها ابتدا قصد تجمع در کتابخانه دانشگاه را داشتند اما پس از ممانعت به سمت ورزشگاه در حال ساخت کلمبیا حرکت کرده که در آنجا پلیس مانع از ورودشان به محل ورزشگاه می‌شود؛ موضوعی که منجر به بازگشت دانشجویان به محوطه دانشگاه می‌شود. در پایان ماه آوریل، ورود خشونت‌شیم پلیس به تظاهرات منجر به زخمی شدن تعدادی از دانشجویان می‌شود اما در نهایت، سیاست‌های دانشگاه براساس خواسته معترضان تنظیم شده و ارتباط این دانشگاه با ارتش آمریکا قطع می‌شود.



از تهران تا نیویورک

بازخوانی اعتراضات و برخوردها در فضای دانشگاه‌ها

در دانشگاه‌های آمریکا مشاهده کرد. رفتار وحشیانه با آن دختر دانشجو و دستگیری آن استاد زن، جرم‌شان این بود که به خاطر جنایت رژیم علیه زنان غزه، اعتراض کرده بودند. «احمد نادری یکی دیگر از بهارستان‌نشینان نیز در توئیتر خود اینگونه می‌نویسد: «دستبند بر دستان استاد فلسفه دانشگاه کلمبیا نمود و نمادی است از سیاست سرکوب سیستماتیک در غرب که البته بسی پیچیده و پنهانی اعمال می‌شود و اکنون پرده پنهان‌کاری فروافتاده و طبل رسوایی آن به صدا درآمده است.» و یا مهدی باقری، دیگر نماینده مجلس هم به خبرنگاری ایسنا می‌گوید: «مردم ما باید بداند تفاوت ایران با کشوری مثل آمریکا که خود را مهد آزادی می‌داند، چقدر است؛ در کشور ما رفتار با مردم معترض در اعتراضات بسیار مهربانانه است، اما حکومت آمریکا وقتی مردمش نسبت به اقدامات رژیم مستکبری مثل اسرائیل اعتراض می‌کنند، حاضر است مردم خود را تحت فشار قرار دهد و به آنها لطمه بزند و حتی در دانشگاه‌ها حضور پیدا کند و با دانشگاهیان برخورد بسیار زننده و تند و تیز داشته باشد؛ این اتفاقات نشان دهنده رو به انحطاط بودن حکومت آنها و تعالی حکمرانی در کشور ماست؛ در کشور ما با کسانی که اعتراض خود را با رفتاری ولو خطا انجام می‌دهند، با رأفت برخورد می‌شود.»

در ادامه مروری بر سرنوشت مهم‌ترین جنبش‌های دانشجویی در ایران و آمریکا خواهیم داشت تا مقایسه‌ای بین اعتراضات انجام شده و برخوردهایی که دولت‌ها با اعتراضات و جنبش‌های دانشجویی اعمال کرده‌اند، صورت گیرد. (البته ذکر این نکته ضروری است که تعداد جنبش‌های دانشجویی زیاد بوده و تنها به برخی موارد آن اشاره خواهد شد)



فرهاد فخرآبادی

خبرنگار گروه سیاسی

شروع اعتراضات دانشگاهی در آمریکا در پی حملات گسترده اسرائیل به غزه که از آن با عنوان «نسل‌کشی» نیز نام برده می‌شود و نحوه برخورد با معترضان دانشگاهی از سوی نیروهای آمریکایی و تصاویری که از آن منتشر شده؛ واکنش‌هایی را در سطح بین‌الملل ایجاد کرده است. چنانچه علاوه بر اعتراضات در حمایت از مردم غزه که در برخی دانشگاه‌های جهان از سوی دانشجویان و دانشگاهیان شاهد آن هستیم؛ این روزها در حمایت از جنبش دانشجویی شکل گرفته و اعتراض به خشونت دولت‌ها در برخورد با معترضان نیز تحركات و اعتراضاتی در حال شکل‌گیری است. در پی این اتفاقات در ایران هم اظهارنظرهای بسیاری صورت گرفت؛ به ویژه پس از آنکه اخبار برخورد سخت در دانشگاه کلمبیا و بازداشت یک استاد فلسفه به میان آمد. برای مثال محمدعلی زلفی گل، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری دولت سیزدهم با انتشار پستی می‌نویسد: «وقتی که آزادی در دانشگاه لگدمال می‌شود و حمایت و دفاع از مظلوم جرم تلقی می‌شود، به حرمت دانشگاه و دانشگاهیان مان در ایران عزیز اسلامی می‌بالیم.» و یا زهره الهیان، نماینده مجلس یازدهم در صفحه توئیتر خود می‌نویسد: «زن، زندگی، آزادی که در دیروز آمریکا برای ما تجویز کرده بود را می‌توان امروز



طرف دیگر براساس موازین سیاست، جنبش‌هایی که سرکوب شوند، تبدیل به جنبش‌های زیرزمینی خواهند شد و می‌توانند با جنبش‌های دیگر از جمله جنبش‌های کارگری وحدتی ایجاد کرده و یا صاحب‌شاخه‌های نظامی شوند. می‌توان اینطور گفت که اروپاییان از دل تجربه‌های خود دیگر به این نتیجه رسیده‌اند که جلوی جنبش دانشجویی را نمی‌توان گرفت. از سوی دیگر، چون قشر دانشجو، حساس‌ترین قشر اجتماعی است و هیچ تعهد و ضمانتی نسبت به تضمین‌های اجتماعی ندارد، بنابراین خیلی نسبت به ناگواری‌های سرزمینی و همچنین خارج از سرزمین خودش حساسیت دارد. طی چند ماه اخیر و پس از هفت آکتبر هم که جنگ غزه شروع شده، زخم عمیقی بر دل طبقه دانشجو گذاشته است که این زخم را به شکل گسترده و عمیق در سراسر اروپا و آمریکا منتشر کرده و شاهد جنبش‌های دانشجویی در این راستا بوده‌ایم. به همین علت می‌بینیم که کشورهای اروپایی و آمریکا با توجه به نزدیکی روابطی که با اسرائیل دارند، ناچار شده‌اند تا اسرائیل را تحت فشار قرار دهند تا این رفتارهای غیرانسانی را نسبت به افراد غیرنظامی در سرزمین غزه از خود نشان ندهد. همچنین آمریکا با همه‌ی نزدیکی‌ای که به اسرائیل دارد، نتایج‌ها را تحت فشار قرار داده و شاهد هستیم که بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا، شش‌مین سفر خود را به اسرائیل انجام می‌دهد. منتهی نتایج‌ها در شرایطی قرار گرفته که نمی‌تواند خیلی به این فشار کشورهای غربی تن دهد زیرا در داخل با مشکلات زیادی روبه‌رو است؛ هم خودش و هم همسرش پرونده فساد اقتصادی دارند. تغییرات قضایی که به‌وجود آمد او را تحت فشار قرار داده است و بعد از آن هم که ماجرای هفت آکتبر پیش

با توجه به برخوردی که با معترضان دانشجویی در آمریکا شده است، بحث‌هایی در داخل ایران مطرح شده مبنی بر اینکه مدعیان حقوق بشر خودشان اینگونه برخورد می‌کنند. تفاوت برخورد با معترضان در فضای آکادمیک میان ایران و کشورهای توسعه‌یافته و آمریکا چیست؟ جنبش دانشجویی در اروپا می‌تواند یکی از نخستین جنبش‌های اجتماعی دانست که به‌وقوع پیوسته و همچنان ادامه دارد. از سال ۱۸۱۸ که نخستین جنبش دانشجویی در پروس شکل گرفت، ما شاهد موفقیت‌های این جنبش در ادوار مختلف در اروپا و آمریکا بوده‌ایم و این جنبش‌های دانشجویی توانسته‌اند تا حدود زیادی خواسته‌های خود را عملی کنند. به‌عبارتی می‌توان موفق‌ترین جنبش در اروپا را از قرن نوزدهم به بعد، همین جنبش‌های دانشجویی دانست. ممکن است اعتصابات کارگری، فعالیت یک بخش جامعه را مختل کند اما جنبش دانشجویی ظرفیت و تأثیرگذاری بالایی دارد و به همین علت است که ما همواره شاهد این جنبش‌ها در غرب هستیم. از

قیاس بین ایران و غرب مع الفارق است

علی بیگدلی استاد تاریخ دانشگاه شهید بهشتی درباره نحوه برخورد با اعتراضات دانشجویی:

در روزهایی که جنبش دانشجویی در آمریکا گسترده شده و دانشگاه‌های این کشور شاهد تظاهرات گسترده در محکومیت حملات و نسل‌کشی اسرائیل به غزه هستند، در فضای داخلی ایران اظهارنظرهایی از سوی برخی مقامات صورت می‌گیرد که در این اظهارنظرها برخوردهای صورت گرفته با دانشجویان در آمریکا محکوم شده و دولت آمریکا را به رفتار درست با دانشجویان نصیحت می‌کنند؛ تا اینجای بحث صحبت‌ها منطقی است اما موضوع از آنجایی افق‌کننده نیست که در ادامه به نوعی خواهان الگوبرداری سایر کشورهای ایران در این زمینه هستند. علی بیگدلی، استاد تاریخ دانشگاه شهید بهشتی که خودش جنبش‌های دانشجویی را در اروپا در سال‌های تحصیل تجربه کرده، در گفت‌وگویی که با خبرنگار هم‌میهن داشت معتقد است که مقایسه برخورد با جنبش دانشجویی بین ایران و غرب قیاس مع الفارق است.